

توصیه‌های نهضت آزادی ایران به جناح‌های سیاسی کشور

در آستانه دومین دوره ریاست جمهوری آقای سیدمحمد خاتمی، نهضت آزادی ایران با احساس مسئولیت در قبال ملت ایران، توجه گروه‌های سیاسی مختلف، اعم از اصلاح‌طلب و محافظه‌کار را به موارد ذیل جلب می‌نماید.

الف- از دستاوردهای مبارک و خجسته جریان اصلاح‌طلب در طول چهار سال اخیر توافق همه گروه‌ها (به جز قلیلی از افراطیون محافظه‌کار) بر ضرورت و حقانیت مردم‌سالاری است. نهضت آزادی ایران که خود از نخستین منادیان و مدافین مردم‌سالاری از ابتدای تشکیل تا کنون بوده و در گذشته و حال هزینه‌ایستادگی بر مواضع مردم‌سالارانه را پرداخته، این وفاق را به فال نیک می‌گیرد.

ب - حاکمیت مردم، جمهوریت، مردم‌سالاری و قانونگرایی، از آرمانهای کلیدی ملت ایران در مبارزات یکصد ساله اخیر بوده است. اما سؤال اساسی این است که مردم‌سالاری چگونه تحقق می‌یابد؟ بنظر می‌رسد تا زمانی که بستر یا زمینه مناسب سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بوجود نیاید مردم‌سالاری یا شکل نخواهد گرفت یا دائم در معرض خطر خواهد بود.

نهادینه شدن مردم‌سالاری در جامعه نیازمند تأمین شرایط لازم ذیل است:

۱- حضور یک قدرت سیاسی- نظامی- اقتصادی فائده یا مطلقه مانع اساسی در برابر شکل‌گیری و رشد نهادهای متنوع قدرت است. چراکه حضور هیچ نهاد قدرتمند دیگری را بیرون از قلمرو سیطره خود بر نمی‌تابد. بنابراین شرط اول نهادینه شدن مردم‌سالاری وجود و حضور فعال نهادهای متعدد قدرت می‌باشد.

۲- مناسبات و روابط نهادهای متعدد با یکدیگر و شرایط سیاسی- اجتماعی باید بگونه‌ای باشد که هیچ یک از نهادهای متعدد قدرت نتوانند با سرکوب و بلعیدن نهادهای رقیب، به یک قدرت فائده تبدیل شوند.

۳- بقا و ادامه حیات هر یک از نهادهای متعدد قدرت، وابسته و متکی به بقا و حیات سایر نهادهای قدرت باشد. چنین معادله‌ای مانع از آن خواهد شد که تقابل و رقابت نهادهای متعدد قدرت کیان جامعه را با خطر متلاشی شدن و یا پیدایش یک قدرت برتر روبرو سازد.

ایران بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷ دگرپرسی و تحول تاریخی مهمی را در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تجربه می‌نماید. یکی از پیامدهای انقلاب، تغییر اساسی در ساختار و معادلات قدرت سیاسی می‌باشد. در جمهوری اول (از بهمن ۵۷ تا درگذشت بنیانگذار جمهوری اسلامی در خرداد ۶۸) عوامل متعددی نظیر گروگانگیری، جنگ تحمیلی و ادامه بی‌حاصل آن بعد از آزادسازی افتخارانگیز خرمشهر، ناآرامی‌های گسترده در برخی از استانها، درگیریهای مسلحانه... و کاریزمای رهبری تغییرات بوجود آمده و تأثیرات آن در مناسبات و همکنشی میان نیروهای سیاسی را پوشانده بود. اما از آغاز دوره دوم (خرداد ۶۸ تا خرداد ۷۶) اثرات عملی این تغییرات به تدریج ظاهر گشته و در جمهوری سوم (از خرداد ۱۳۷۶ تا به

امروز) این اثرات به عنوان اساسی‌ترین عامل در تنظیم مناسبات قدرت و تقابل میان نیروها ظهور کرده است.

در شرایط کنونی، هر سه شرط یاد شده نقش اساسی و کلیدی پیدا کرده‌اند. هیچ نهاد قدرتمندی که بتواند تمام گروهها و نهادهای سیاسی فعال در جامعه و فرآیند تغییرات را در جهت اقتدار کامل و مطلق خود کنترل نماید، وجود ندارد. امروز حتی قدرتمندترین نهادها قادر به تفوق همه‌جانبه بر دیگران نیست و نهادهای متعدد هر کدام به میزان توانایی خود در فرآیند تغییرات و تحولات اثرگذار می‌باشند. جناح راست افراطی اگرچه از امنیت سیاسی و اقتصادی فراوان برخوردار است، اما علیرغم حادثه‌آفرینی‌های فراوان نتوانسته و نمی‌تواند گروهها و نهادهای دگراندیش و اصلاح‌طلب بیرون یا درون حاکمیت را از بین ببرد. آنها از این اصل اساسی ناظر بر قدرت غافل مانده‌اند که «داشتن قدرت همیشه و در همه جا معادل با امکان اعمال قدرت نیست.» همچنانکه تلاش این جناح در ممانعت از انتخاب مجدد رئیس‌جمهور خوشبختانه عقیم ماند و جریان راست افراطی نشان داد که درک درستی از شرایط کنونی جامعه ندارد.

این جریان همچنین با یک پارادوکس یا تعارض روبرو است. اگر این جناح حتی موفق به حذف و سرکوب اصلاح‌طلبان بشود، به دلیل جو سیاسی حاکم بر جامعه و شرایطی که ذکر شد، در عمل موجبات سقوط خود را فراهم خواهد ساخت. بی‌دلیل نیست که در اعمال سیاست‌های خود دوگام به جلو می‌آید و سه گام به عقب برمی‌گردد. جناح و جریان‌های راست افراطی و نهادهای حمایت‌کننده آنها در مورد جنبش جامعه مدنی به مصداق ضرب‌المثل مشهور: «نه طاقت دوری دارند و نه تاب مهجوری.»

انتخاب مجدد آقای خاتمی به همان اندازه که برای ادامه جنبش مردم‌سالاری ضروری است، رمز بقای نظام جمهوری اسلامی نیز می‌باشد. محافظه‌کاران خردگرا و دوران‌دیش جناح راست به خوبی می‌دانند که شکست و یا به بن‌بست رسیدن جنبش اصلاح‌طلبی منجر به تشدید بحران‌های موجود خواهد شد و در این صورت خود آنان اولین قربانیان چنین عاقبتی خواهند بود.

ج - آن چه بیان شد شرایط «لازم» بود نه شرایط «کافی». توسعه روند مردم‌سالاری و رسیدن به تعادل و ثبات اجتماعی به درک و فهم نیروهای سیاسی از وضعیت موجود و عکس‌العمل‌های متناسب این نیروها بستگی دارد. اما اتخاذ رفتارهای متناسب، با اعمال زور و توسل به خشونت و حرکت‌های قهرآمیز میسر نیست. چنین سیاست‌هایی اگر هم موفق شود، موجب برهم خوردن شرایط تحقق مردم‌سالاری و درنهایت سلطه یک قدرت فائقه خواهد شد.

اتخاذ رفتارهای مناسب توسط هر یک از گروه‌های سیاسی - اعم از اصلاح‌طلب و مردم‌سالار یا راست و محافظه‌کار- به معنی عبرت‌گیری از تجربیات گذشته و عمل بر اساس قوانین حاکم بر تحولات سیاسی است. چنین فرایندی البته کند و تدریجی و نیازمند زمان است. اما خشونت‌گرایان به تدریج به بیهودگی سیاست‌های سرکوب و تأثیر مخرب آن بر جایگاه اجتماعی‌شان پی‌خواهند برد و خسارت بحران‌هایی را که ایجاد کرده‌اند، بیش از سود آن دریافت خواهند کرد. تا آنکه از حادثه‌آفرینی و نقض قواعد بازی دست بردارند. زمان و تجربه عمل سیاسی نه تنها موجب تغییر مواضع و عملکرد جناح محافظه‌کار، بلکه تغییر روش‌های اصلاح‌طلبان نیز خواهد شد.

این خشونت‌ها اگرچه موجب کندی جنبش جامعه مدنی شده است، اما به دلیل هزینه بالای آن برای

محافظه‌کاران، موجب پیدایش واکنش‌های نامساعدی علیه آنان نیز شده است. در جامعه در حال تغییر و دگرپس، محافظه‌کاران نقش بسیار مهم و حساسی در حفظ تعادل ایفا می‌نمایند، متأسفانه خشونت‌طلبان عملاً به این رسالت تاریخی محافظه‌کاران لطمه زده‌اند. محافظه‌کاران خردگرا به آرامی علیه خشونت‌گرایان موضع می‌گیرند. حتی در قوه قضاییه، جبهه‌بندی‌های جدیدی در حال شکل‌گیری است. به نحوی که بعضی از قضات دیگر حاضر به قبول اوامر و سیاست‌های دیکته شده از بالا نیستند. این عوامل و تغییرات و هم‌کنشی‌های مستمر میان نیروهای مختلف، در نهایت به بازنگری اساسی در رفتارها و سیاست‌های حاکم منجر می‌شود.

نهضت آزادی ایران از عقلای جناح محافظه‌کار دعوت می‌کند به جای فراقنی مشکلات و گرفتاری‌ها با تجدیدنظر در رفتارهای سیاسی و تحلیل مواضع گذشته و تصحیح اشتباهات، برای تداوم حیات سیاسی خود در آینده بهره‌گیرند. مفاهیمی نظیر دفاع از ارزش‌ها و سنت‌های دینی، مراقبت از ایمان و اعتقاد مردم و نگرانی از اعراض نسل جوان نسبت به دین و اعتقادات مذهبی، بسیار وسیعتر و پرتعدادتر از آن است که جناح راست آن را در جهت کسب قدرت سیاسی به نفع خود مصادره کند. خرج کردن این مفاهیم در جهت قدرت‌طلبی نه تنها سودی ندارد بلکه موجب کاهش اعتبار آن‌ها نزد نسل جوان خواهد شد.

نهضت آزادی ایران به مراتب بیش از افراطیون امروزی دغدغه‌ایمان مردم و به خصوص جوانان را داشته است. در روزگاری که تظاهر به دینداری هنوز تبدیل به شرط لازم برای دسترسی به منابع قدرت نشده بود، در آن هنگام که فرنگی‌مآبی نشان تمدن و تجدد بشمار می‌رفت، این شادروان مهندس بازرگان بود که به دانشجویان شجاعت ابراز تدین می‌داد و بسیاری از اعضای امروزی نهضت آزادی ایران از همانهایی هستند که آن روز دین خود را به دنیا نفروختند! پس از انقلاب نیز بسیاری از مراسم مذهبی و نشست‌های دینی نهضت آزادی ایران مورد حمله و تهاجم گروه‌های فشار مدعی دیانت قرار گرفته است ولی با این وجود نهضت آزادی به عنوان تشکیلاتی ملی-مذهبی از بزرگداشت چنین سنت‌هایی دست برنداشته است.

نهضت آزادی ایران هرچند با محافظه‌کاران در این نگرانی شریک است، اما روش‌ها و سیاست‌های آنان را در جهت کاهش دین‌داری و تضعیف سنت دینی می‌داند. افراطیون جناح اصلاح‌طلب نیز باید بدانند که سودای حذف محافظه‌کاران از صحنه سیاسی نه ممکن و نه مطلوب است. چرا که بسیاری از دغدغه‌های عقلای محافظه‌کاران شیوا و متین است و ضرورت وجود این جناح نیز بر اساس نقش آن‌ها در حفظ تعادل سیاسی و پرهیز از تغییرات شتاب‌زده قابل تحلیل است.

نهضت آزادی ایران به ریاست جمهوری مشفقانه توصیه می‌کند با توجه به معادله فوق، از امکانات موجود بطور بهینه در جهت تحقق وعده‌ها و تعهدات بهره‌برداری کنند. آقای خاتمی چندین بار اعلام کرده‌اند که فاقد اختیارات قانونی متناسب با تعهدات و وظایف خویش می‌باشند. قدرت رئیس‌جمهور را باید از دو بعد یا دو منظر مورد توجه قرار داد: ۱- اختیارات قانونی و ۲- قدرت سیاسی.

همانطور که ذکر گردید که داشتن قدرت معادل با امکان اعمال قدرت نیست، نداشتن اختیارات قانونی هم معادل نداشتن امکان استفاده از شرایط مناسب قدرت سیاسی و بهره‌گیری از آن نمی‌باشد. برای مردم روشن نیست آقای خاتمی تا چه حد توانسته‌اند از این قدرت ویژه در برخورد با مقامات بالاتر و یا

پایین‌تر بهره‌گیری نمایند.

اینک که شرایط لازم سیاسی و اجتماعی برای دستیابی به ارزش‌های والائی چون عدالت و آزادی فراهم آمده است، نهضت آزادی ایران بار دیگر گروه‌های سیاسی را به فراهم ساختن شرایط کافی از طریق پایداری و مقاومت و تقویت نهادهای مدنی و ایجاد تشکل و ارتباطات گسترده اجتماعی دعوت می‌نماید.

نهضت آزادی ایران